

۱۳ شهرالبهاء ۱۶۷

۲ آوریل ۲۰۱۰

احبای عزیز کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

در پیام مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹، از خانواده و اثرات آن در پیشبرد تمدن بشری سخن گفتیم و به لزوم تربیت فرزندانی که سعادت خود را در سعادت و عزت دیگران ببینند اشاره نمودیم. اهمیت استحکام خانواده و سهم آن در پیشرفت جامعه را یادآور شدیم و در عین حال این نکته را نیز متذکر گشتیم که توجه به مصالح و منافع خانوادگی نباید از تعهد به عدالت خواهی و شفقت نسبت به دیگران بکاهد و یا مجوزی برای ترویج مفهوم "خودی و بیگانه" در اجتماع گردد. در حقیقت اثرات خانواده در ترقی حیات اجتماعی بسیار گسترده است. به عنوان مثال خانواده در مقام یک واحد اقتصادی می تواند نقش مؤثری نیز در رفع مشکلات گوناگونی که زاینده بی عدالتی های فاحش اقتصادی و مالی جهان است داشته باشد.

فرهنگ جامعه بهائی که بر اهمیت فراگیری علم و دانش تأکید داشته و اشتغال مجدانه و صادقانه به صنعت و حرفه مفید توأم با روح خدمت را به مقام عبادت ارتقا می دهد، عامل اصلی ترقی و رفاه نسبی اکثریت بهائیان ایران در گذشته بوده است. شرایط اقتصادی و اجتماعی فعلی ایران و محدودیت های غیر عادلانه ای که در سال های اخیر از طرف برخی از مسئولین امور برای جامعه بهائی به وجود آمده تحصیل علم و اشتغال به کار و انجام خدمات اجتماعی را برای بهائیان مشکل ساخته است ولی الحمد لله شما عزیزان علی رغم مشکلات عدیده، در انتقال این فرهنگ ارزشمند به فرزندان خود کوشا هستید. از آنجایی که پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران منوط به ایجاد تغییری بنیادین در بینش مردم به خصوص نسل جوان نسبت به هدف اصلی زندگی، راه ترقی و تقدم، مفهوم رستگاری و سعادت ابدی و جایگاه مادیات در حیات شخصی و خانوادگی می باشد، مایلیم به منظور کمک به گفتمان های سودمند شما با هم وطنان عزیزتان، نکاتی را درباره خانواده و تأثیر آن در امور اقتصادی و اجتماعی با شما در میان بگذاریم.

تحقق عدالت اجتماعی در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که همگان از رفاه نسبی مادی برخوردار و در اکتساب خصایص معنوی کوشا باشند. بنا بر این راه حل اساسی مشکلات اقتصادی جهان را باید در

توجه هم‌زمان به موازین علمی و اصول روحانی جستجو نمود. خانواده محیط مناسبی است که در آن فضایل اخلاقی لازم برای نگرشی صحیح نسبت به منابع مالی و استفاده از آن می‌تواند شکل گیرد.

حضرت بهاء‌الله در بیان مقتضیات عالم خلقت، تأیید می‌فرمایند که پیشرفت هر امری و تحقق هر هدفی معلق به وجود اسباب و وسایل است. تعمق در این بیان مبارک به انسان می‌آموزد که پیوسته باید بین هدف و اسباب وصول به آن تفاوت قائل شد و اجازه نداد که به دست آوردن آنچه وسیله‌ای بیش نیست جای هدف را در زندگی انسان بگیرد. مثلاً مال و منال در مقام وسیله‌ای ضروری برای نیل به اهدافی متعالی از جمله معیشت روزانه، ترقی خانواده، خدمت به جامعه و اقداماتی در جهت استقرار مدنیت جهانی، ممدوح و مقبول است ولی شایسته شأن انسان نیست که کسب آن را به خودی خود هدف غایی و منظور نهایی زندگی خویش قرار دهد.

نکته مهم دیگری که با روح تعالیم الهی مطابقت دارد آن است که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند بدین معنی که یک هدف هر قدر والا، مفید و شکوه‌مند باشد و یا حصولش برای زندگی فرد و خانواده ضروری شناخته شود، نیل به آن از راه نادرست و توسل به اسباب ناپسند جایز نیست. متأسفانه در عصر حاضر برخی از سیاست‌مداران و رهبران اجتماعی و مذهبی و هم‌چنین عده‌ای از کارگزاران بازارهای مالی بین‌المللی، گروهی از مدیران شرکت‌های چند ملیتی و ارباب صنایع و تجارت و جمعی از مردم عادی، تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و علی‌رغم ندای وجدان خویش، این نکته مهم و اساسی را نادیده گرفته رسیدن به اهداف خود را از هر طریقی مشروع می‌شمرند.

حضرت عبدالبهاء مطلوب بودن ثروت را مشروط به نحوه کسب و مصرف آن دانسته می‌فرمایند "غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت به فضل الهی حاصل گردد" و "جمهور اهالی به ثروت و غنای کلی برسند" و در "امور خیریه" و در راه "ترویج معارف" و تأسیس مدارس و صنایع و پیشبرد تعلیم و تربیت و به طور کلی در جهت منافع عمومی صرف شود.

در این بیان مبارک و معانی لطیفه منیره عذیده آن تعمق نمایید. علاوه بر موانعی که گروهی از متعصبین برای اشتغال و خدمت به جامعه در راه شما ایجاد کرده‌اند، عوامل منفی متعدّد دیگری نیز که زائیده جوّ مادی‌گرا و فساد اقتصادی دنیای امروز است، پیروی از روش و سلوک بهائی را در رابطه با امور مالی صعب و دشوار می‌سازد. ولی به تأسی از اسلاف روحانی خود، البته از پای ننشسته‌اید و صمیمانه می‌کوشید که در محیط خانواده، هم‌دیگر و به خصوص فرزندان دل‌بند را بیش از پیش مدد دهید تا

بینش خود را نسبت به ثروت و غنا بر اساس نصایح الهی شکل دهند. شایسته است که نسل جوان در بیان مبارک که سعی و کوشش فردی و شمول فضل الهی را شرط ممدوحیت ثروت قرار داده تعمق کنند، در تفاوت بین ثروت حاصله از طریق کوشش فردی در صنعت، کشاورزی، تجارت و هنر و امثال آن و ثروتی که بدون زحمت و یا از طرق ناصواب حاصل می شود تفکر نمایند و اثرات هر یک را در ترقی روحانی فردی و پیشرفت اجتماعی بررسی کنند و از خود سؤال نمایند که به دست آوردن ثروت از چه طریقی می تواند جاذب تأییدات الهی باشد. بدون شک در خواهند یافت که داشتن فضایل اخلاقی مانند صداقت و امانت، سخاوت و اعانت، عدالت و رعایت حال دیگران و هم چنین نگرش به ثروت به عنوان وسیله ای برای ایجاد دنیایی بهتر، سبب جلب عنایات حق و نهایتاً سعادت دنیوی و اخروی می باشد.

تمسک به اصل عدالت در تأمین ثروت، اصلی که مورد تأیید بسیاری می باشد، البته درجات و سطوح مختلف دارد. در یک سطح بدین معنی است که مثلاً کارگر و کارفرما هر دو در کلیه امور با پیروی از قوانین و مقررات متداول، امانت داری و صداقت را پیشه خود سازند. ولی برای درک عمیق تر مقتضیات عدالت باید به دو شرط دیگر ممدوحیت ثروت نیز توجه نمود و در پرتو آن معیارهای رایج را مورد مطالعه قرار داد. به عنوان مثال، رابطه بین میزان دستمزدهای قانونی امروز با هزینه زندگی و ارزش دست آورد کار کارگران که به فرموده حضرت عبدالهء مستحق شریک شدن در سود حاصله از زحمات خود هستند، شایان توجه و بررسی خاص است. تفاوت فاحش و اغلب غیر قابل توجه بین هزینه تولید یک کالا و قیمت فروش آن در خور تفکر فراوان می باشد. کسب مال به شیوه ای که توده مردم "به ثروت و غنای کلی برسند"، امری اساسی و شایسته تحقیق و تأمل جدی است. در ضمن چنین تفکرات و مطالعاتی، البته زشتی و ناپسندی اندوختن ثروت از طریق نظیر استثمار دیگران، احتکار و انحصار و یا تولید کالاهای مخرب و آنچه خشونت و فسق و فجور را در بین جمهور ناس رواج می دهد بیش از پیش روشن و آشکار می گردد.

جهان بشری در چنگ قوای تخریب کننده و زیان آور گرفتار و مبتلا است. مکتب ماتریالیسم غرب که حال به تمام نقاط گیتی سرایت نموده، توسعه فرهنگ مصرف گرایی را وسیله ای لازم برای استحکام اقتصاد جهان و تأمین رفاه نسل انسان می داند، مصرف در جهت ارضای امیال شخصی و تمتع از لذات نفسانی را با مهارت و زیرکی ترویج می دهد و صرف ثروت در راه مخاصمات اجتماعی و تداوم آن را جایز می شمرد. در سخافت این دیدگاه تفکر نمایید. فلسفه روه به گسترش بنیادگرایی دینی با فهم بسیار محدود خود از دین و از مبادی روحانی عقاید خشک مذهبی را رواج می دهد، در مواردی جهانی از مشکلات موجود را مشروط به وقوع رویدادهایی خرافی و غیر معقول می داند، از یک طرف تظاهر به تقوی را ترویج می کند و از طرف دیگر در عمل، حرص و آرزو اجحاف و ظلم را در جامعه شیوع می دهد. از جمله

نتایج و اثرات اسفناک این قوای ویران‌گر سردرگمی شدید جوانان، نومیدی نیروهای فعال لازم برای پیشرفت جامعه و بروز مشکلات بی‌شمار کنونی است. کلید نجات از این مصائب اجتماعی در دست نسل جوانی است که به شرافت نوع انسان معتقد بوده اشتیاقی وافر برای درک هدف واقعی عالم هستی داشته باشد، بین تدین حقیقی و خرافات مذهبی فرق قائل شود، علم و دین را دو نظام دانایی مستقلّ اما مکملّ یک‌دیگر و محرک پیشرفت نوع انسان شمرد، زیبایی و کارایی وحدت در کثرت را درک کرده آن را با آغوش باز بپذیرد، سعادت و عزّت خود را در خدمت به هم‌وطنان و دیگر مردم جهان ببندد و مقبولیت ثروت را موکول به کسب عادلانه و مصرف آن در امور خیریه و در راه ترویج معارف و علوم و تأمین منافع عمومی بداند. جوانان عزیز باید آن‌چنان خود را آماده‌ی وظایف خطیر آینده نمایند تا هم از مضرات حرص و طمع رایج در امان مانند و هم با جدّیت و اشتیاق در جهت تحقّق اهداف عالی و شکوه‌مند خود کوشا باشند.

امیدواریم که مذاکرات و مشاورات شما با دوستان، همسایگان، اقوام و هم‌کاران در باره نکات بالا موجب افزایش توان‌مندی در جهت کمک به بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی وطن عزیز و فراهم ساختن اسباب آسایش و رفاه همگان گردد. در اعتاب مقدّسه‌ی علیا برای ترقّی و پیشرفت ملت شریف ایران و موفقیت بیش از پیش شما عزیزان دعا می‌کنیم.

بیت‌العدل‌علیم

